

ارزش ادبی اوستا

پروفسور پروانه جمشیدی

تاجیکستان

یکی از یادگاری‌های بی‌نظیر دایره‌المعارفانه ایران زمین کتاب اوستاست، که زاده طبع ذکی و قوی و انبیاپی نخستین متفکر، شاعر و فیلسوف زردشت است، که در مرز و قلمرو هزار ساله دومین و یکمین پیش از میلاد در ماورای خاور زمین زندگی و پیکار سرنوشت‌ساز کرده است.

تعلیمات عقلانی و معنادار او نه تنها به شرق، بلکه به اندیشه‌مندان اروپای قدیمی و تاریخ‌نویسان عصر ما تاثیر بی‌نهایت عظیم و محرکی رسانید.

تعداد کثیر اربابان ادب و فضل و مورخان یونانی و روم باستان از جمله شاعر و فیلسوف قرن ۱۹ آلمان فریدریچ نیچه (در اثرش «زردشت شنین گفت») از پی طریقت راستین او رفتند. اوستا به یکی از زبان‌های باستانی ایرانی یعنی اوستایی (درگوش بسی قدیمی تر آن ۱۷ هات سروده‌های پیامبر زردشت مرتب گشته‌اند) تالیف گردیده نخست ترجمه اروپایی آن سال ۱۷۷۱ با کوشش و اهتمام دانشمند فرانسوی انکیتل دوپرون، که سالیان زیادی در شبه قاره هند عمر به

ایران زمین

سر برده، از تعلیمگاه موبدان پارسیهای هند سبق برداشته است، اجرا شده است. هرچند مغربیان به کارنامه اصیل پژوهشگر فرانسوی با شبهه نگریده در آن به جای فهمیدن معرفت نکات از جانب زردشت افزوده فلسفی و احکام آئین یکه خدایی انبیایی (درترجمه منتشر شده) خوانندگان همه نوشته جات مذهبی سنتی یک رنگ و خسته سازنده را دیدند و بس. عقایدی بازگو گشت، که اوستا واقیعا محتوای دگری داشت که آن را پارسیها و یا انتیکل پرون نادرست توضیح و تشریح داده اند. ولی تدقیقات مابعد تایید کرده اند که اوستا در تشریح انکیتل دوپرون در اصل صریح و واضیح و برحق بوده است. دوره جدید تفسیر و ترجمه آن با آموزش زبان اوستایی در مقایسه با لسان معمولی ایران باستان - فارسی قدیم (قرائت یادگاری های خطی آن در میانه های قرن ۱۹ مکشوف گردیده است) هندی قدیم (ویدی و سنسکریت)، که در میان زبان های هند و اروپایی به زبان فارسی قدیم بی نهایت نزدیک بود، به بسیار پاره های ترجمه اوستا اصلاح وارد سازید و پژوهش و آموزش زبان اوستایی و صرف و نحو آن را به پایه استوار علمی نشانده اند!

عهد هخامنشیان مصادف به ارزنده گی سه دین و آئین بزرگ در جهان بود: زردشتی، بودایی و یهودی. در کنار این سه دین رسمی دین قدیم آریاییان ایرانی مورد قبول و به عنوان دین رسمی بسیاری

ایران زمین

از ایرانیان رواج داشت. دانشور رومان گیرشمن اغلبا معتقد بر آن است، که شاهان هخامنشی بیشتر به آئین زردشتی که در هزار ساله دوم قبل از میلاد (۱۵۰۰-۱۲۰۰ سال پیش از میلاد) از جانب زردشت سازمان داده شده بود، تمایل داشتند. نخستین پیام آور و ادیب ممتاز و فرزانه خاور زمین آفریدگار این دین بشرپرور زردشت فرخ سیر بود و به قول میری بویس پیروانش در دشت و پشته‌های جنوبی روس و سمت خاور واگه می‌زیستند و تمایل به سنن و مذهب تظاهر یافته او داشته‌اند. از جمله او می‌نویسد: «در عهد هخامنشیان آئین مزدایی، که زردشت آن را تغییر داده بود، در سراسر مرز و بوم شاهنشاهی شروع به توسعه کرد. تاریخ حیات پیغمبر هنوز مورد بحث است. تصور می‌کنند، که وی اصلا از مردم ماد بوده از مجبور به ترک وطن اصلی خود گردید و به ایران شرقی شتافت و در آن جا پیروانی یافت، از آن جمله شاهی بود به نام وشتاسپ (گشتاسپ) که بعضی دانشمندان او را همان وشتاسپ پدر داریوش دانسته‌اند که شهربان پارت و گرگان بود. به هر حال آئین جدید از مشرق ایران به تدریج در سراسر کشور شروع به انتشار کرد. تصور می‌کنند که مقتضیات و شرایطی که قوم هخامنشی ایران شرقی در آن زندگی می‌کرد و دائما در معرض بدویان مهاجم و مخرب بود، در تصورات قوم زردشت این اندیشه را ایجاد کرده، که جهان را دو اصل اداره می‌کند: نیک و بد»^۳

ایران زمین

در مسیر قرن ۱۹ در نتیجه آموزش صحیح مقایسه‌ی زبان‌شناسی قرابت لسان اوستا را با زبان‌های باستان از قبیل زبان ریگ ویده، همچنین پیدا گشتن مفتاح دومین زبان اشتهار یافته ایرانیان قدیم - فارسی باستان، اطلاعات استفاده دامن گسترده قرار گرفتن معلومات زبان‌شناسی مقایسه‌ی هند و اروپایی را از دید پژوهش و تفتش بیرون ماندن جرم عفوناپذیر می‌بود. آموزش زبانهای ایرانی میانه از جمله زبانهای مرده (خوارزمی، سغدی، خوتن و ساکی) و زنده (زبانهای پامیری) ایرانی شرقی نیز از اهمیت بزرگی برخوردار بودند و در زمان ساختن ترجمه علمی اوستا تا درجه نقش مجسم بازیده‌اند. باید تذکر داد، که برگردان اوستا هنوز مشکلات زیادی را به بار می‌آورد و کارشناسان ورزیده‌ترین نیز تا حال صحیفه‌های مهمترین آن را با رویش و سلیقه مختلف به زبان ترجمه می‌دهند.

زمره از اندیشمندان امروزه اصلا وجود داشتن اوستای زمان هخامنشیان را بی‌اساس می‌شمارند و حتی بعضی‌شان موجودیت متن اشکانی آن را نیز به زیر شبهه می‌گذارند. ولی ظاهرا اوستا حتی در نیمه دوم دوره پارت و یقینا در سرآغاز دوره ساسانی وجود داشت.

در پایه بعضی اسناد و مدارک از نسا دریافت گردیده دانشمندان ام. دیکانف و و.ا. لیوشین تخمین می‌نمایند، که در قلمرو شرق دولت

ایران زمین

پارت در صده اول پیش از میلاد متن خطی اوستا، هیچ نباشد قسمت جداگانه آن موجود بود. اندکی بعدتر اوستا در زمینه خط پهلوی، که تکامل یکی از انواع خط آرامی اساس آن است عرض هستی نمود، ولی الفبای اوستایی حروف زیادتتر (۴۸) از جمله ۱۴ حرف صدادار دارد. این الفبای با تمام جزییاتش کارکرده شده امکان می داد، که متنهای اوستا با نگاه داشتن طرز تلفظ عنعنه‌ایی گوینده‌گان آن از دوره به میان آمدن این یادگاری خیلی دقیق و صحیح ثبت گردد. به زعم این چنین ثبت با یک قطار ویژه گیها (بیشتر مربوط ویژه گیهای قدیمی گویشی) سیمای زبان ایرانی قدیمه را، که (هنگام پیدایش منتهای اوستایی مستعمل بود)، پره و کاملاً انعکاس نماید. ۵. الفبای اوستایی بیشتر در مسیر قرن ششم صحیحترش در زمان خسرو اول (۵۳۱-۵۳۹) پا به عرصه وجود نهاده است. ۶.

خود نامنهاد اوستا واژه پارسی میانه آپستاک به معنی اساس (و یا مطابق تفسیره دگر «گزارش»، «دستور»، «نیایش» و غیره) است. تفسیر بعدا انشا گردیده آن زند (واژه فارسی میانه زند «دانش») می باشد. اوستا در قرن‌های موجودیت خویش بارها تحریر و تدوین گشته است. چنانکه ماخذها اطلاع می دهند، جمع آوری و تنظیم قسمت‌های اوستا در زمان والاگس اول (بلاش) اشکانی (ظاهراً صده یک میلادی)، ساسانیان اولین (قرن سوم)، شاپور دوم (قرن چهارم)

ایران زمین

که تحریر سودمند و پرارزش ابرکتاب تحت سرپرستی آذربید مهرسپندان انجام پذیرفت و نهایتاً پس از نهضت مزدکیان، در عهد خسرو اول (صده ششم) که از اوستا بعضی متون در قرون پنجم و ششم وجود داشته منسوخ شدند به وقوع پیوسته است. اوستای امروزه از کتابهای «یسنا»، نذر، نیاز، مجموع متنهای مراسمی، «یشتها» (یشت - نیایش، ستایش)، سرودها در وصف ایزدان دین زردشتی، «ویدیوت» - قانون به مقابل دیوان (شکل بعدینه نادرستش «وندیدا») دستورها درباره پاکیزگی هنگام طاعت و عبادت (یک قطار مقررات دینی و شرطی، پارچه‌های اساطیر قدیم، حماسی و غیره) در بر می‌گیرد. «ویسپرد» - «همه‌رادها» از مجموع دعا و متنهای عبادتی عبارت است. غیر از این به اوستا یکچند قسمت‌های حجا خرد و کم‌اهمیت داخل می‌شوند.

از ۷۲ باب «یسنا» ۱۷ تااش سرودهای پیام‌آور زردشت «گاتها» اند. ۷ باب را «یسنه هپتنهه یتی» («یسنای هفت باب») که از جهت زبان و زمان آفریده شدن به «گاتها» نزدیکند، تشکیل داده‌اند. لهجه «گاتها» و «یسناهفت باب» نسبت به «خرده اوستا» که یک جز دیگر اوستاست، قدیمتر است و از آن با ویژه گیهای گویشی خود تفاوت می‌کند. موافق اطلاعات بیرونی متن اوستا از ابتدای آوینشش ۳۰ باب بوده، تاکنون از آن همه گی ۱۲ باب باقی است. ۷ زبان

ایران زمین

«گاتها» منسوخ و کهنه بوده، به زبان «ریگویده» که به دوره ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد منسوبیت دارد، متعلق است.

ما هم در «گاتها» و هم در «ریگویده» از وجه جهانی به عهد قدیم تعلق داشته و اجتماعی عصر سنگین تصورات پیدا می‌کنیم. زردشت در «گاتها» از خویشتن همگون زاتر، یعنی پایه‌گذار یگانه، راهب مقدس کامل حقوق متذکر می‌گردد. او پایه‌گذار یگانه و در یک وقت هم موبد مقدس هم پیغمبر بود.

«گاتها» سرودهای دینی می‌باشند. در آنها ما صحبت زردشت را با خدای اهوره مزدا گاهی چون با آفریدگار و گاه چون با دوست و رفیق نزدیک می‌بینیم، که این از «یسنا» ۶۳-۱۴ و ۴۴-۱ و دگرها معلوم می‌شود:

ای مزدا!

همان گونه که مرد دلیر و توانا

به دوست خود شادمانی بخشد

تو نیز با شهریاری خود

و در پرتو راستی

به پیروان من

شادمانی را ارزانی دار

من به پا خواهم خاست
و همراه با همه آنهایی که
سراینده سخن اندیشه‌انگیز تو هستند
پشتبان آموزشها تو خواهم بود
(«گاتها»، یسنا ۱۴-۴۳) ۸

ای مزدا اهوره!
این را از تو می پرسم
پرسشم را بازگوی
چه گونه دلداده‌گان تو با فروتنی
تو را بشناسند؟
کی ره را
به دوستی چون من می آموزی؟
و کی در پرتو راستی دلخواه
مرا یاری می کنی
تا اندیشه نیک به سوی ما آید؟ (یسنا) ۱-۴۴) ۹

از لحاظ معنا و واژه‌های در «گاتها» استفاده گردیده باید ذکر کرد،
که آن خیلی مرکب و مشکلند. معلوم است، که در آن واژه‌های
زیادی به چشم می‌رسند، که معنای آنها پره معلوم نیست. این چنین

ایران زمین

واژه‌هایی هستند، که معنای آنها مشخص است، ولی هر یکی از آنها ده‌ها معنا دارند، که انتخاب یکی از معناها نیز دشوار است و در مورد ترجمه آنها را یا از لحاظ فلسفه، حقوق و یا دگر پیشگویی انتخاب باید کرد.

در مورد مطالعه گاتها ما به بسیار معماهای صرف و نحو و واژه‌شناسی نیز وامی‌خوریم. ولی ناوابسته از این پرو بلمها مقصد گفته‌های زردشت خوب فهمانید.

چیز مهمی که به نظم «گاتها» خاص است این تکرار واژه‌های اساسی می‌باشد. تکرار یافتن این واژه‌ها و از یاد کردن آنها یکی از اصولهای ادبیات شفاهی می‌باشد. در مورد حفظ کردن قسمهای تام یا گروه کلمه و واژه‌ها به شنونده امکانیت بیشتر نگاه داشتن کلمه و عبارتهای اساسی را می‌دهد.

البته زردشت شاعر نابغه بود و «گاتها» را چنان سروده است، که تا به حال دانشمندان پژوهشگران به آن دست می‌زنند و یقین است او این نظم خویش را در چهارچوبه سنتهای آریایی عملی کرده است.

سراسر تار و پود، صورت و سیرت و هیولی محتوی متن اوستای جاویدان، این حماسه بی‌نظیر بشری شبه چراغ هدایت زردشت فروزان است. بلی، طبق اندیشه‌های والای پایه‌گذار حکمت مغان، مصلح توانا و شخصیت بی‌نظیر توانامند و خردمند، که در «گاتها» ابدالوجودش سگالش و نیایش یافته: «راه در جهان یکی است و آن

ایران زمین

راه راستی است». بلی راستی نبود هیچ زوالی به جهان. اندرزه‌های خلق و خوی آمیز و مشحون از لطف و صفای آفرینندگی و روزی ده و ره‌گشای اوستایی روایت می‌کند، که: «خورشید جاویدانه رایومند تیز اسب را می‌ستایم. با هوم آمیخته به شیر، با برسم، با زبان خرد و منتره، با اندیشه و گفتار و کردار (نیک) بازور و با سخن رسا.» (خورشید، یشت، بند ۶) ۱۰

شاید این حکمت و دستور ازلی انجیلی: «بگذار حقجوی آفریدگار حقیقت باشد» از گفتار اخلاق اندوز و روان‌بخش اوستایی چاشنی‌گیر گشته باشد. شاید صحیفه‌های زیاد زر اندوزنسک «وندیداد» به طب و بهداشتی و گفتارهای حماسی راجیع به بیمه روشن (بیمه خشنه - جمشید در شاهنامه)، کرسسپ (کرشاسب - قهرمان مرکزی «گرشاسپنامه اسدی طوسی)، فرنگرسیس (افراسیاب تورانی)، کوی کوته (کیقباد)، کوی اپی وهو، کوی اوسدان، کوی ارشن، سیه‌ورشن (سیاوش)، کوی خناسروه (کیخسرو)، زردشت و وشتاسپ و نجات‌دهنده‌گان جهان سئاشینت و ترتئانه (فریدون)، تصویر ایزد آب‌ها اریدویسوره اناهیتا، تخمه اروپیی (طهمورث) بخشیده شده‌اند. نور آفریننده‌گی اوستایی زردشت سپتمان حتی فرزندگان عالم نبوغی و نبوت‌برداری را از زمره مولوی، را تگار بی‌منشا و سرد مهر نگذاشته‌اند، که ستایش‌های این ابرمردان در ستایش و نیایش این ابدالدهر چنین است:

ایران زمین

از همه اوهام و تصویرات دور

نور و نور و نور و نور و نور و نور!

قیمت ادبی و بدیعی اوستا در آن تجسم می‌یابد، که در زبان و طرز ستایشش آن نکته محتشم بدیعی، وسطه‌های تصویر و سیمایهای پرسوناژ انسان‌ها، اشخاص تمثیلی، مجازی و اسطوره‌ایی مشاهده می‌شود. وی یک نوع مجموع یادگاری‌های شفاهی قدیم می‌باشد، که در آن‌ها قهرمان‌ها از قبیل کیومرث، بیمه، گرشاسپ، گشتاسپ، ارجاسپ نقش‌های منفی دیوها و اهرمن جالب توجهند. سرودهای ویشتها به وزن هجایی سروده شده‌اند و دارای ۸ تا ۱۲-۱۰ هجا می‌باشند. نمونه از یک پاره سروده‌ها از اوستا: («یسنا» ۵-۹)

به شهریاری جم دلیر نه سرما بود نه گرما

نه پیری بود نه مرگ و رشک دیو آفریده ۱۱

در شعرهای اوستایی غیر از هجا زده نیز موقیع معین دارد. جای قافیه در آخر مصرع شرط نیست. در اول و میانه هم می‌آید. در وی صنعت تکرار به نظر می‌رسد. این خصوصیت در شعر دوره فارسی، تاجیکی نو هم دیده می‌شود، که علاقه به نظم قدیم داشته آن را نشان می‌دهد.

یشتها در همان شکلی که تا زمان ما رسیده‌اند، شاید در میان نیمه اول قرن پنجم پیش از میلاد ایجاد شده باشند. موبدانی که آن‌ها را

ایران زمین

ایجاد کرده‌اند برای هر یک از ایزدان توصیف‌های مخصوص، واژه و عبارتهای به هر یک آنها خاص را استفاده کرده‌اند.

غیر از سروده‌های بخشیده به ایزدان گوناگون یشتها چون سرچشمه نظم حماسی ایران باستان به شمار می‌روند، از این جهت بیشتر «آبان_یشت» سرود به اناهیتا _ ایزد بانوی آب جالب دقتند. اناهیتا نیایش یا دعای خویش را به قهرمانان تاریخی ایران ارسال میدارد، که در بین آنها هوشنگ _ اساسگذار سلسله پیشدادیان و جمشید می‌باشند. در صحیفه‌های این یشت ما نام‌های ضحاک، فریدون، افراسیاب، کیکاوس، کیخسرو و دگران را می‌بینیم.

«وندیداد» از نیایش تمیزی و پاکیزه‌گی بحث می‌کند. در این کتاب نام کشورهای ایران زمین آورده شده‌اند. در باب دوم از بیمه (جمشید) که دوران حکمرانی‌اش عصر طلایی در تاریخ ایران دانسته شده است، سخن می‌رود. در این جا این چنین از پناهگاهی سخن رفته که جمشید برای از زمستان سرد و آبخیزی ایمن داشتن مردمان و چارپایان بنا کرد. در باب سوم نیایش به زمین موجود است، که خیلی جالب دقت است.

«ای دادار جهان استومند! ای اشون!

کیست چهارمین کسی که زمین را بیشتر از همه شادکام کند!

اهوره مزدا پاسخ داد:

ای سپتمان زرتشت!

ایران زمین

کسی است که هرچه بیشتر گندم و گیاه و درختان میوه بکارد!
کسی است که زمین‌های خشک را آبیاری و زمین‌های تر را زهکشی

کند» ۱۲

(«وندیداد» فرگرد ۳، بند ۲۳) ۱۲

«ای سپتمان زرتشت!

کسی، که زمین را به دست چپ و دست راست، با دست راست و
دست چپ کشت کند، زمین بدو فراوانی بخشد»

(«وندیداد» فرگرد ۳، بند ۲۰) ۱۳

«کسی که غله بکارد اشته می‌کارد، او دین مزدا را برتر می‌رویاند،
او دین مزدا را چندان نیرومند می‌کند که با صد نیایش توان کرد،
که با هزار نیایش توان کرد، که با ده هزار پیشکشی توان کرد.»

(«وندیداد» فرگرد ۳، بند ۳۱) ۱۴

آموزش اوستا چون کتاب مقدس ادبی ارزش گرانمایه علمی داشته
«مهمترین و یگانه ماخذی است برای روشن نمودن تاریخ قدیم‌ترین
ایرانیان شرقی، یعنی آسیای میانه، افغانستان و آن قسمت ایران که
در شفت آسیای میانه واقع گردیده است» ۱۵ نهایت جالب خواهد بود.

ادبیات:

۱--۲ -- ۳_ ۴- ۶ (کتاب به زبان روسی)

ایران زمین

- ۵- غفور اف ب، تاجیکان، دوشنبه، ۱۹۸۳، صفحه ۶۴-۶۵
- ۷- ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه، دوشنبه، ۱۹۹۰، صفحه ۱۱
- ۸- گاتها (گزارش دکتر وحیدی)، تهران، انتشارات فردین، ۱۳۷۶، صفحه ۲۳
- ۹- گاتها (گزارش دکتر وحیدی)، صفحه ۲۵
- ۱۰- اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروید، ۱۳۷۰، صفحه ۳۲۴
- ۱۱- اوستا، صفحه ۱۳۷
- ۱۲- اوستا، صفحه ۶۸۰-۶۸۱
- ۱۳- اوستا، صفحه ۲۸۱
- ۱۴- اوستا، صفحه ۶۸۲
- ۱۵- غفور اف ب، تاجیکان، کتاب ۱، دوشنبه، ۱۹۹۸، صفحه ۷۲